

سخن سردبیر

حاشا لله این حکایت نیست، هین
نقد حال ما و توست این، خوش بین

برای ادامه ی می خواستم برای توضیح ویژگی های شخصیت سالم و سلامت روان، یادداشتی از اشعار روان شناسانه ی مولانا فراهم کنم. ابیاتی که قسمت های مختلف جمع کرده بودم تبدیل شد به یک مثنوی! که نیاز چندانی به توضیح اضافی ندارد.

| | |
|---------------------------------|------------------------------|
| جانور فربه شود از حلق و نوش | آدمی فربه شود از راه گوش |
| این زبان پرده است بر درگاه جان | آدمی مخفی است در زیر زبان |
| خون به خون شستن محال است و محال | آفت ادراک آن حال است و قال |
| چو به عیب خود رسی کوری از آن | موی بشکافی به عیب دیگران |
| زان جهت عالم کبودت می نمود | پیش چشمت داشتی شیشه کبود |
| از برای خویش دامی می تنی | ای که تو از ظلم چاهی می کنی |
| وز سخنها عالمی را سوختند | ظالم آن قومی که چشمان دوختند |
| هیچ واماند ز راهی کاروان؟ | ز آنهمه بانگ و علا لای سگان |
| رنج قربت به که اندر خانه جنگ | پاتهی گشتن به است از کفش تنگ |
| باز گردد این نداها را صدا | این جهان کوه است و فعل ماندا |
| وز محبت، دیو حوری می شود | از محبت، نار نوری می شود |
| هر که ز این برمی رود آید به بام | نردبان آسمان است این کلام |
| صالح و ناصالح و خوب و خشوک | در وجود ما هزاران گرگ و خوک |
| رو چو برهان محقق نور شو | پخته گرد و از تغییر دور شو |

فرح لطفی کاشانی

بهار ۱۳۹۶